**( 173 )**

**احبای الهی و دوستان حقیقی و اماء رحمانی در جمیع بلدان و اقالیم در شرق و غرب علیهم بهاء الله الابهی**

**هو الله**

ای یاران با وفا ای بندگان صادق حضرت بهاءالله نیم شب است و جمیع چشمها آسوده و کافه نفوس در بستر راحت سر ببالین نهاده مستغرق در دریای خوابند و عبدالبهاء در جوار روضه مبارکه بیدار و در نهایت تضرع و ابتهال مشغول بمناجات که ای پروردگار مهربان شرق در هیجانست و غرب در موج بی پایان نفحات قدس در انتشار است و انوار شمس حقیقت از ملکوت غیب ظاهر و آشکار ترتیل آیات توحید است و تموج رایات تجرید بانگ سروش است و نهنگ محویت و فنا در خروش از هر کرانه‌ئی فریاد یا بهاء الابهی بلند و از هر طرف ندای یا علی الاعلی مرتفع و ولوله‌‌ئی در جهان نیست جز غلغله جلوه دلبر یکتا و زلزله‌ئی در عالم نه جز اهتزاز از محبت محبوب بی همتا احبای الهی در جمیع دیار با نفس مشکبار چون شمع روشنند و یاران رحمانی در جمیع اقالیم مانند گلهای شکفته از هر طرف چمن دمی نیاسایند و نفسی برنیارند جز بذکر تو و آرزوئی ندارند جز خدمت امر تو چمنستان حقیقترا بلبل خوش الحانند و گلستان هدایت را شکوفه‌های معطر بدیع الالوان خیابان حقایقرا طراحی گلهای معانی نمایند و جویبار هدایت را مانند سرو روان بیارایند افق وجود را نجوم بازغند و مطالع آفاقرا کواکب لامع مظاهر تأییدند و مشارق نور توفیق ای خداوند مهربان کل را ثابت و مستقیم بدار و الی الابد ساطع و لامع و پر انوار کن تا هر دمی از گلشن عنایت نسیمی وزد و از یم موهبت شبنمی رسد رشحات سحاب محبت طراوت بخشد و نفحات گلشن وحدت مشامها معطر کند ای دلبر آفاق پرتو اشراقی ای محبوب جهان جلوه جمالی ای قوی قدیر حفظ و امانی ای ملیک وجود ظهور قدرت و سلطانی ای خدای مهربان در بعضی بلدان اهل طغیان در هوج و موجند و محرکین بی انصاف شب و روز در اعتساف ظالمان چون گرگ در کمین و اغنامی مظلوم و بی ناصر و معین غزالان بر وحدترا کلاب در پی و تذروان کوهسار هدایترا غرابان حسد در عقب ای پروردگار حفظ و حمایت فرما ای حافظ حقیقی صیانت و حمایت کن در پناه خویش محروس دار و بعون خود از شرور مصون بدار توئی حافظ حقیقی و حارس غیبی و نگهبان ملکوتی و مهربان آسمانی

ای یاران الهی از جهتی رایت حق بلند است و ندای ملکوت مرتفع و امر الله در انتشار و آثار الهی واضح و آشکار شرق منور است غرب معطر است جنوب معنبر است شمال مشک اذفر است و از جهتی بیوفایان در نهایت بغض و عدوان و در غایت فساد و طغیان هر روزی نفسی علم خلاف برافرازد و در میدان شبهات بتازد و هر ساعتی افعی‌ئی دهان بگشاید و سم قاتل منتشر نماید

احبای الهی در نهایت صدق و صفا و بی خبر از این حقد و جفا ماران بسیار نرم و پرمدارا و در نهایت وسوسه و دسیسه و حیله و خداع بیدار باشید هوشیار باشید المؤمن فطین و الموقن قوی و متین دقت نمائید اتقوا من فراسة المؤمن انه ینظر بنور الله مبادا کسی سرا رخنه اندازد حصن حصین را سپاه رشید باشید و قصر مشید را لشکر شجیع بسیار مواظب باشید و شب و روز مراقب گردید تا معتسفی صدمه‌ئی نزند لوح ملاح القدس را بخوانید تا بحقیقت پی برید و ملاحظه نمائید که جمال مبارک وقایع آتیه را از پیش بتمامه خبر داده‌اند ان فی ذلک لعبرة للمتبصرین و موهبة للمخلصین عبدالبهاء در آستان مقدس خاکسار و در نهایت خضوع و خشوع بیقرار شب و روز مشغول نشر آثار و اگر فرصتی یابد بمناجات پردازد و تضرع و تبتل و بیقراری نماید که ای پروردگار بیچارگانیم چاره‌ئی فرما بیسر و سامانیم پناهی بخش پراکنده‌ایم مجتمع فرما بگله خویش پیوسته کن بی‌نصیبانیم بهره و نصیب بخش تشنه گانیم بچشمه حیات دلالت کن ضعیفانیم قوتی ده تا بنصرت امرت برخیزیم و در سبیل هدایت جان فشانی کنیم اینست روش و پرستش بندۀ جمال مبارک ولکن بیوفایان خفی و جلی لیلا و نهارا در کوشش‌اند که امر الله را متزلزل نمایند شجره مبارکه را از ریشه براندازند و این عبد مظلوم را از خدمت محروم نمایند و سرا فتنه و آشوبی افکنند که عبدالبهاء را بکلی محو و نابود کنند بظاهر اغنامند و در باطن گرگ درنده بزبان شیرین و بدل سم قاتل ای یاران امر الله را محافظت نمائید بحلاوت لسان گول مخورید ملاحظه کنید که مقصد هر نفسی چیست و مروج چه فکر است فورا آگاه شوید و بیدار گردید و احتراز نمائید ولی ابدا تعرض ننمائید و نکته نگیرید و بمذمت نپردازید او را بخدا واگذارید و علیکم البهاء الابهی در بهجی شب

 ٢٦محرم ١٣٣٩

(عبدالبهاء عباس)